

دیپلماسی وب‌محور، ابزار مداخله قدرت‌ها

محمد مجیدی

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی پدافند غیرعامل

دانشگاه عالی دفاع ملی

تهران، ایران

m.majidi@sndu.ac.ir

چکیده

واژه دیپلماسی وب محور به آن دسته از فعالیت‌های دیپلماتیک اطلاق می‌گردد که از طریق تکنولوژی‌های شبکه‌ای که معمولاً با عنوان رسانه‌های اجتماعی خوانده می‌شوند، اعمال می‌گردد. در این پژوهش ضمن بررسی مبانی تئوریک و تعاریف دیپلماسی الکترونیکی به بررسی این پدیده به عنوان یکی از الگوهای دارای اهمیت فزاینده در استراتژی‌های سیاست خارجی، که علاوه بر اعمال فشار فزاینده افکار عمومی بین‌المللی بر کشور هدف، منجر به ایجاد فشار مارپیچی افکار عمومی در داخل کشور هدف نیز می‌شود. پرداخته شده است. بررسی ابزارها و پلت فرم تحقق دیپلماسی وب محور، که بر پایه ارتباطات تکنولوژیکی جدید استوار است و از طریق رسانه‌های اجتماعی، که دسترسی بدان‌ها از طرق مختلف پشتیبانی و تسهیل می‌شود را به عنوان یک دارایی استراتژیک بیان نموده و ضمن ارائه نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز به موضوع "جمعیت‌های هوشمند" که یکی از نتایج جانبی دیپلماسی عمومی وب محور است پرداخته و براساس چارچوب نظری ارائه شده، حوادث پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ بازخوانی و دیپلماسی عمومی وب محور آمریکا در این خصوص تحلیل و در نهایت با جمع‌بندی یافته‌های پژوهش راهبرد مقابله پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی

دیپلماسی عمومی، دیپلماسی وب محور، رسانه‌های اجتماعی مجازی، ارتباطات فرد به فرد، جمعیت هوشمند، پارادایم تولید-مصرف.

مقدمه

واژه "دیپلماسی عمومی"^۱ که در دهه شصت توسط ادموند گولیون دیپلمات سابق آمریکایی مورد استفاده قرار گرفت، عبارت است از: "ابزاری شفاف که با استفاده از آن کشورها با مردم کشورهای دیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا در جهت دستیابی به منافع ملی و پیشبرد سیاست خارجی شان به مخاطبین خارجی اطلاع رسانی کرده و بر آنها تأثیر گذارند."

در دیپلماسی وب محور که با عنوان دیپلماسی وب ۲.۰^۲ و یا دیپلماسی الکترونیکی نیز خوانده می‌شود ماهیت فراگیر دیپلماسی عمومی به رسمیت شناخته شده و می‌توان آن را مشتقی از تعریف بالا ذکر کرد. از این رو، این نوع دیپلماسی عمومی به آن دسته از فعالیت‌های دیپلماتیک اطلاق می‌گردد که از طریق تکنولوژی‌های شبکه‌ای که معمولاً با عنوان رسانه‌های اجتماعی خوانده می‌شوند، اعمال می‌گردد. در سالیان اخیر دولت آمریکا با اتخاذ استراتژی "دیپلماسی الکترونیک" به عنوان بخش مهمی از دارایی‌های استراتژیک و ارتباطات استراتژیک این کشور، سعی در القا و تحمیل سیستم ارزشی و استانداردهای رسانه‌ای خود را بر دیگر کشورهای جهان می‌باشد. این امر باعث می‌شود فشار فزاینده‌ای از جانب افکار عمومی بین‌المللی بر کشور هدف وارد آید. از همه مهمتر، دیپلماسی الکترونیکی می‌تواند منجر به فشار مارپیچی افکار عمومی در داخل کشور خارجی گشته و موجب بروز مخالفت‌های ملی، ناآرامی‌های سیاسی و یا آشوب‌های قومی گردد.

در این پژوهش دیپلماسی عمومی وب محور به عنوان یکی از الگوهای دارای اهمیت فزاینده در استراتژی‌های سیاست خارجی معرفی می‌گردد. و بر این اساس به بررسی ابزارها و پلت فرم تحقق و نحوه اعمال این دارایی استراتژیک که بر پایه ارتباطات تکنولوژیکی جدید استوار است و از طریق رسانه‌های اجتماعی، که دسترسی بدان‌ها از طرق مختلف پشتیبانی و تسهیل می‌شود، می‌پردازیم. و ضمن بیان چارچوب نظری بحث به بررسی دیپلماسی وب محور آمریکا در خصوص کشورمان در خلال ایام پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ پرداخته و دیپلماسی عمومی وب محور آمریکا در این خصوص تحلیل می‌گردد.

پرسش پژوهش

دیپلماسی وب محور چیست؟ و چگونه آمریکا با استفاده از آن در صدد بروز بحران و مداخله در دیگر کشورها می‌باشد؟

چارچوب نظری

الف- دیپلماسی عمومی

دیپلماسی به دانش ارتباط میان سیاستمداران و سران کشورهای جهان گفته می‌شود و اقتناع مهم‌ترین ابزار و دستاورد آن است. دیپلماسی، وسیله‌ای است که سیاست خارجی با استفاده از آن، به جای جنگ، از راه توافق به هدف‌های خود می‌رسد. با پیدایش جامعه ملل، دیپلماسی از حالت عمل دوجانبه خارج شده و امروزه حالت نیمه‌علنی به خود گرفته و افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ادموند گولیون^۳، دیپلمات سابق آمریکایی و رئیس مدرسه عالی حقوق و دیپلماسی فلجر در دانشگاه تافتز^۴ در سال ۱۹۶۵ میلادی، برای اولین بار مفهوم دیپلماسی عمومی را مطرح کرده است. [۱]

گولیون و همکارانش به دنبال یافتن راهی برای مشخص کردن ویژگی بسیاری از برنامه‌های اطلاع‌رسانی، آموزشی و فرهنگی بودند که در سطح بین‌المللی بعد از جنگ جهانی دوم توسط نهادهای دولتی و غیر دولتی آمریکا برگزار شده بودند. «امروزه، گذشته از نهادی که توسط دولت برای اطلاع‌رسانی درباره ایالات متحده و سیاست‌های ما [آمریکا] بنا نهاده شدند، نکته مهم‌تر تبادل میان گروه‌ها، مردم و فرهنگ‌ها در سطحی فراتر از مرزها و تأثیرگذاری بر تفکر و برداشت مردم دیگر کشورها درباره امور خارجه، واکنش‌ها به سیاست‌های آمریکا و تأثیر این برداشت‌ها بر دولت‌های متبوعشان است. در تلاش برای ارائه معنایی برای این دسته از فعالیت‌ها، ما در دانشکده فلچر تلاش کردیم نامی برای اینگونه فعالیت‌ها بیابیم. من تمایل داشتم که آن را "پروپاگاندا"^۵ [تبلیغات] بنامم. به نظر می‌رسید که این واژه نزدیک‌ترین واژه و برداشت از کاری باشد که ما در حال انجام آن بودیم اما برای این که همه ابعاد ارتباطات، اطلاع‌رسانی و تبلیغ را در بر گیرد به عبارت "دیپلماسی عمومی" رسیدیم.» [۲]

³ Edmund Gulyun

⁴ Tufts University

⁵ Propaganda

¹ Public Diplomacy

² Web 2.0

هانس ان تاچ نویسنده کتاب ارتباط برقرار کردن با جهان در سال ۱۹۹۰ در تعریف دیپلماسی عمومی چنین نوشت: «تلاش‌های رسمی دولت برای شکل دادن به محیط ارتباطی در کشورهای خارجی‌ای که در آنها سیاست‌های آمریکا اجرا می‌شود، تا بدین وسیله از میزان تأثیرات منفی، سوء تعبیرها و سوء تفاهمها در زمینه روابط میان آمریکا و کشورهای دیگر کاسته شود» [۵]

هیئت مأمور برنامه ریزی ادغام در وزارت خارجه آمریکا نیز در سال ۱۹۹۵، دیپلماسی عمومی را این گونه تعریف می‌کند: «دیپلماسی عمومی می‌کوشد منافع ملی ایالات متحده را از طریق مفاهیم، اطلاع رسانی و تأثیرگذاری بر مخاطبان خارجی ارتقا دهد.» سازمان اطلاعاتی ایالات متحده هم که بیش از چهل سال به صورت تخصصی در زمینه دیپلماسی عمومی فعالیت کرده است، معتقد است: «دیپلماسی عمومی به دنبال آن است که منافع ملی و امنیت ملی ایالات متحده را از طریق شناخت، اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری بر مردم کشورهای دیگر و گسترش گفت و گو میان شهروندان و نهادهای آمریکایی و هم‌تایان خارجی آنها ارتقا دهد.» دیپلماسی عمومی و ارتباطات راهبردی بخش مهمی از دکتترین امنیت ملی ایالات متحده را پس از واقعه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، تشکیل می‌دهد. در سند «دکترین امنیت ملی آمریکا»^۱ در سال ۲۰۰۲، تصریح شده است که «ایالات متحده آمریکا درگیر جنگ اندیشه‌هاست و در این راستا و برای استفاده از جامعه بین‌الملل باید به بالاترین میزان قدرت دست یابد ... و دیپلماسی عمومی مؤثری را برای ترویج جریان آزاد اطلاعات و اندیشه به‌منظور زنده نگاه داشتن امید و الهام آزادی به‌کار گیرد. باور مشترک دولتمردان و کارگزاران دیپلماسی عمومی آمریکا این است که اگر مخاطبان خارجی از طریق بیان داستان از منظر آمریکا، این کشور را بهتر بشناسند، عاشق و شیفته آن خواهند شد. بنابراین، تصویر ذهنی نادرست مخاطبان از سیاست‌ها و رفتارهای راهبردی و فرهنگی آمریکا، منشأ سوء تفاهم‌ها و ستیزه‌جویی‌های آنهاست. بر این اساس، دیپلماسی عمومی به‌عنوان یک اسلحه نرم‌افزاری، نقشی اساسی در شکست کمونیسم و فروپاشی شوروی ایفا نموده است و اینک، به‌عنوان ضلع سوم استراتژی سه‌گانه آمریکا در تهاجم علیه تروریسم ظاهر شده و جهان اسلام و خاورمیانه را مورد هدف قرار داده است.» [۶]

گولین دیپلماسی عمومی را اینگونه تعریف می‌نماید: "دیپلماسی عمومی ابزاری شفاف است که با استفاده از آن کشورها با مردم کشورهای دیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا در جهت دستیابی به منافع ملی و پیشبرد سیاست خارجی شان به مخاطبین خارجی اطلاع رسانی کرده و بر آنها تأثیر گذارند" [۳].

در دهه‌ی ۸۰، مدیران کاخ سفید به منظور مقابله با دولت ساندانیست‌ها در نیکاراگوئه، دفتری را به نام اداره دیپلماسی عمومی برای آمریکای لاتین و جزایر کارائیب راه اندازی نمودند که از آن زمان، اصطلاح دیپلماسی عمومی نزد افکار جهانیان معمول گردیده است [۳].

در فرهنگ واژگان روابط بین‌الملل سال ۱۹۸۷ وزارت امور خارجه ایالات متحده، دیپلماسی عمومی این چنین تعریف شده است:

«دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت تکفل دولتی بر می‌گردد که هدف آن‌ها مطلع کردن یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است و وسایل اصلی آن عبارت‌اند از: «انتشارات، سینما، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون». از این تعریف چنین بر می‌آید که دیپلماسی عمومی یک ارتباط دولت-ملتی به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم می‌باشد که هدف از اجرای آن، تأمین حداکثری منافع ملی در محدوده‌ای فراتر از مرزهای رسمی یک کشور است.

هسته‌ی اصلی نظریه‌ی دیپلماسی عمومی، ارتباط هدایت شده با افراد خارجی، به منظور تأثیر گذاشتن بر افکار آن‌ها و سرانجام، تأثیر گذاشتن بر دولت‌های آن‌هاست. در همین چارچوب، دیپلماسی عمومی فعالیت‌هایی را در زمینه‌های تبادل اطلاعات، آموزش و فرهنگ، با هدف تأثیرگذاری بر دولتی خارجی، از راه تأثیر گذاردن بر شهروندان آن است [۴].

در حقیقت دیپلماسی عمومی یا مردمی، آن بخش از دیپلماسی است که فراتر از سطح مناسبات دولت با دولت می‌باشد و هدف آن تأثیرگذاری بر تصمیم سازان و تصمیم گیران اصلی دیگر جوامع و کشورها از طریق انتقال پیام‌های کلیدی درخصوص وجه مثبت یک کشور است.

به سخن دیگر، دیپلماسی عمومی به معنای «تلاش‌های یک دولت برای درک، ارتباط و نفوذ در افکار عمومی کشورهای هدف در جهت تحکیم منافع ملی آن کشور» به کار برده می‌شود.

¹ America's National Security Doctrine

دیپلماسی عمومی آمریکا از سه عنصر اساسی رسانه‌های جمعی، آموزش و تبادل متخصصان در زمینه‌های مختلف تشکیل شده است؛ تا ابتکارات، تلاش‌ها و اقدامات صورت گرفته طی چند سال گذشته را در این زمینه براساس بهترین تصاویر ذهنی از سیاست‌ها و رفتارهای دولت آمریکا در نزد مخاطبان خارجی به‌ویژه خاورمیانه‌ای نمایان سازد

در چارچوب اعمال تهدید نرم و یا روش اقدام غیرخشونت آمیز، دیپلماسی عمومی بیش‌تر بر هدف تلطیف افکار و نگرش نخبگان و آحاد مردم یک جامعه نسبت به دولت و کشور به‌کار گیرنده دیپلماسی عمومی متمرکز است. [۱۷]

ب- دیپلماسی عمومی وب محور^۱:

دیپلماسی عمومی از قدرت تاثیرگذاری بسیاری بر افکار عمومی برخوردار است. چراکه به نحوی فرهنگ‌ها و احساسات مردم را برای تاثیرگذاری مورد هدف قرار می‌دهد. این نوع تاثیرگذاری نیز بیشتر به وسیله فناوری‌های جدید رسانه‌ای پشتیبانی و اجرا می‌گردد.

در دیپلماسی وب محور که با عنوان دیپلماسی وب ۲.۰ و یا دیپلماسی الکترونیکی نیز خوانده می‌شود ماهیت فراگیر دیپلماسی عمومی به رسمیت شناخته شده و می‌توان آن را مشتقی از تعریف دیپلماسی عمومی ذکر کرد. از این رو، این نوع دیپلماسی عمومی به آن دسته از فعالیت‌های دیپلماتیک اطلاق می‌گردد که از طریق تکنولوژی‌های شبکه‌ای دیجیتال و بالاخص رسانه‌های اجتماعی، اعمال می‌گردد. [۷]

برای درک بهتر دیپلماسی وب محور و توانمندی فناوری فضای مجازی^۲ در پشتیبانی همه جانبه از دیپلماسی عمومی، لازمست ابتدا مفهوم وب ۲.۰ را بیان نمائیم.

عبارت وب ۲.۰ در ژانویه سال ۱۹۹۹ توسط خانم داریسی دینوچی، یک مشاور در طراحی اطلاعات الکترونیکی (معماری اطلاعات) بکار گرفته شد، لیکن مفهوم واقعی وب ۲ اولین بار در یک همایش توسط جان باتل و تیم اوربلی مطرح شد. آنها به دنبال نسل جدیدی از وب بودند که بتواند جذاب، کاربردی و قابل گسترش باشد. اینگونه بود که کنفرانس وب ۲ شکل گرفت و بحث‌های زیادی پیرامون این پدیده مطرح شد. طراحی و معماری وب ۲.۰ بر پایه مشارکت‌ها،

همکاری‌ها، و تعاملات انسان‌ها، ماشین‌ها، نرم‌افزار، و عامل‌های هوشمند با یکدیگر استوار است. در دید عموم، عبارت وب ۲.۰ بطور وسیعی توسط وبلاگ نویسان و روزنامه نگاران و نویسندگان مورد استفاده قرار گرفته است. در سال ۲۰۰۶، روزنامه تایمز، شخص سال را خود شما معرفی می‌کند. به این معنی که شما همان فرد مهمی هستید که از بین همه کسانی که در تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها، ویکی‌ها، و سایت‌های اشتراک گذاری رسانه ای، شرکت کرده‌اند، برگزیده شده‌اید. در جلد مجله، لیو گراسمن^۳ توضیح می‌دهد که:

"این داستانی در مورد جامعه و شرکت در اجتماعی است که قبلا دیده نشده بود. این داستانی است در مورد خلاصه‌ای از دانش در ویکی‌پدیا و شبکه میلیون نفری یوتیوب، و کلان شهر مای اسپیس، است. این داستانی است از قدرت بسیار انسانهایی اندک که بخاطر هیچ، انسان‌های بسیاری را کمک کرده‌اند. آنها نه تنها دنیا را تغییر داده‌اند بلکه روشی را که دنیا تغییر می‌کند را نیز تغییر داده‌اند!"

از آن زمان، وب ۲.۰، به عنوان واژه‌ای وارد دایره المعارف‌ها شد و در سال ۲۰۰۹، موسسه ادبیات جهانی، این عبارت را یک میلیونوم مین کلمه انگلیسی معرفی کرد. [۹]

ج- پارادایم تولید - استفاده^۴

یکی از دستاوردهای تکنولوژی‌های نوظهور بوجود آوردن مفاهیم و پارادایم‌های جدید در تمامی عرصه‌ها می‌باشد. از جمله این پارادایم‌های جدید می‌توان به پارادایم تولید-استفاده اشاره نمود سایت پرودویوزیج^۵، پارادایم تولید-استفاده را اینگونه تعریف می‌نماید:

« در جوامع مشارکتی تولید محتوای مشترک در یک محیط مشارکتی و شبکه‌ای انجام گرفته و باعث فروپاشی مرز بین تولیدکنندگان و مصرف کنندگان می‌شود و در عوض تمام طرفین را قادر می‌سازد که در آن واحد هم تولیدکننده و هم مصرف کننده باشند.»

استفاده گسترده از تکنولوژی دیجیتالی نشان می‌دهد که رسانه‌های اجتماعی به مثابه شایع ترین ابزار برای دستیابی به برنامه‌های سیاسی و شکل دهی به دیپلماسی عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هم اکنون می‌توان گفت عصر اطلاعات به مرحله‌ای رسیده

³ Liu Grossman

⁴ Prodousage paradigm

⁵ www.prodousage.com

¹ Web Diplomacy

² Cyberspace



د- شبکه اجتماعی مجازی

شبکه اجتماعی، ساختاری اجتماعی است که از گره‌هایی (که عموماً فردی یا سازمانی هستند) تشکیل شده‌است که توسط یک یا چند نوع خاص از وابستگی به هم متصل‌اند.

بالغ بر یک قرن است که مردم، شبکه اجتماعی مجازی را برای اشاره‌های ضمنی به مجموعه روابط پیچیده میان افراد در سیستم‌های اجتماعی در تمامی مقیاس‌ها از روابط بین فردی گرفته تا بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌دهند. بارنز، در سال ۱۹۴۵ برای نخستین بار از اصطلاح قاعده مند برای مشخص کردن الگوهای از رشته‌ها استفاده کرد که مفاهیم را مشخص می‌کنند و به صورت رایج توسط عموم و دانشمندان علوم اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. [۱۱]

بر این اساس شبکه‌های اجتماعی مجازی با توجه به ویژگی‌ها و امکانات رسانه‌های اجتماعی این رسانه‌ها بعنوان پلت فرمی بسیار مناسب برای دیپلماسی وب محور شناخته می‌شود.

ح- جمعیت هوشمند^۱

بر اثر توسعه تکنولوژی رسانه‌های اجتماعی در کامپیوترهای شخصی، اشاعه سیستم‌های بی سیم، تلفن‌های همراه و دیگر دستگاه‌های دیجیتال شخصی جامعه بشری به تدریج ساختار اجتماعی و روش‌های مبادله اطلاعات را تغییر می‌دهد. بر همین اساس و برای اولین بار مفهوم "جمعیت هوشمند" توسط هوارد رینگلد^۲ در خصوص افراد در شبکه‌های اجتماعی مجازی مورد استفاده قرار گرفت. رینگلد در کتابی با عنوان "جمعیت هوشمند: انقلاب اجتماعی بعدی" در این خصوص مینویسد:

« تفاوت بین جمعیت هوشمند و جمعیت عادی در روش‌های تبادل اطلاعات نهفته است. جمعیت هوشمند از کامپیوترهای شبکه‌ای برای توزیع اطلاعات استفاده می‌کنند و بدین ترتیب به یک نوع تشریک مساعی جمعی دست می‌یابند. از آنجایی که فعالیت‌های سیاسی آنلاین روز به روز راحت تر و ارزان تر می‌شوند، به همین سبب سازمان‌ها و افراد سیاسی که قبلاً به یکدیگر متصل نبودند، هم‌اینک در مباحثات آنلاین دور هم جمع می‌شوند و بدین ترتیب بدون وجود سازمانی، سازمان دهی می‌شوند.»

است که پارادایم "تولید-ارتباط- مصرف" برای ارتباطات اطلاعاتی در حال جایگزینی با پارادایم "تولید- استفاده" است. لذا با توجه به توانمندی‌های منحصر به فرد وب ۲.۰ خصوصاً رسانه‌های اجتماعی مجازی بعنوان یکی از مهمترین دستاوردهای آن، در تسهیل روابط میان افراد در جوامع مختلف، دولتمردان امریکایی استفاده از امکانات و توانمندی‌های این مفاهیم تکنولوژیکی نوظهور در دستور کار خود قرار داده‌اند تا بوسیله آن بتوانند دیپلماسی دولت - دولت خود را با مولفه مردم- مردم کامل نمایند.

برای استفاده موثر از دیپلماسی عمومی جهت تاثیر گذاری مناسب بر مخاطب نیاز به ابزاری مناسب برای این امر می‌باشد. یکی از مناسب ترین گزینه‌ها استفاده از توان اخبار منتشره میان افراد جامعه موسوم به "اخبار فرد به فرد" است. اخبار فرد به فرد را می‌توان یکی از اولین اشکال ارتباطات خبری نامید. این خروجی خبری جایگزین نه تنها مورد استفاده روزنامه نگران بوده بلکه توسط شهروندان اینترنتی نیز بکار برده می‌شود. بزرگترین امتیاز این ابزار در «درجه کنترل» آن نهفته است. بدین معنا که کاربر فرایند، محتوا و ارسال ارتباطات خبری را کنترل می‌کند.

به منظور تحرک آفرینی در فعالیت‌های مرتبط با دیپلماسی وب محور باید یک واقعه خبری و یا موضوع مشخص و یا مهندسی گردد. سپس باید بر اساس ماهیت اخبار، مخاطبین هدف، کانال‌های ارتباطاتی و پلت فرم‌ها مشخص گردند. از آنجایی که بسیاری از رسانه‌های اجتماعی قبلاً "گروه‌ها" و "شبکه‌ها" را بر اساس شاخصه‌های جمعیتی و یا روانشناختی مشخص نموده‌اند بنابراین مهمترین وظیفه باقیمانده عبارت خواهد بود از انتشار اخبار در میان مخاطبینی که حداًالامکان بیشترین واکنش را از خود نشان خواهند داد. از آنجایی که این نوع رسانه‌ها بسیار مستعد "اخبار ویروسی" هستند بنابراین زمانی که "مبتلا" می‌شوند به احتمال زیاد "ارتباطات خبری ویروسی" وارد چرخه گردشی خواهد شد. [۳]

لذا با توجه به ویژگی‌های اشاره شده و بر اساس دکترین دیپلماسی عمومی وب محور امریکا، شیوع اخبار فرد به فرد، بعنوان مناسب ترین ابزار، برای اعمال دیپلماسی عمومی خود، تشخیص داده شده است. لیکن جهت امکان خبر پراکنی میان افراد نیاز به یک پلتفرم مناسب، منعطف، در دسترس و قابل اعتماد است.

¹ Smart mobs

² Howard Rynold

باید آنرا در شبکه‌های جهانی که دارای هندسه‌ای متغیر و جغرافیایی غیر مادی است جست و جو کرد.

با مذاقه در مفاهیم دنیای شبکه‌ای جدید و تلاش امریکا جهت استفاده از این فضای سیال و پویا به جهت بکارگیری آن در دیپلماسی عمومی خود و تاثیر بر افکار عمومی دیگر کشورها و پیشبرد سیاست‌های مداخله جویانه و خصمانه بر ضد کشور هدف، فشار فزاینده‌ای از جانب افکار عمومی بین‌المللی بر این کشور وارد آمده و از همه مهمتر، دیپلماسی الکترونیکی می‌تواند منجر به فشار مارپیچی افکار عمومی در داخل کشور هدف گشته و موجب بروز مخالفت‌های ملی، ناآرامی‌های سیاسی و یا آشوب‌های قومی گردد، که این موضوع را می‌توان هدف دیپلماسی وب محور غرب جهت ایجاد تغییر نرم در دیگر کشورها دانست.

روش پژوهش :

در این پژوهش، با بهره گیری از کتب، اسناد، مدارک معتبر، نسبت به بررسی تحلیل محتوی و تحلیل گفتمان و ارایه پاسخ به پرسش پژوهش تلاش می‌گردد.

الف - امریکا و دیپلماسی وب محور

بر اساس نظریات جوزف نای^۵، قدرت نرم توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع است و قدرت نرم^۶ یک کشور بستگی به منابع فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌هایش دارد. راهبرد قدرت هوشمند^۷، منابع قدرت نرم و سخت را ترکیب می‌کند.

دیپلماسی وب محور امریکا، به عنوان ابزار افزایش قدرت نرم، راهبردی برای فتح قلوب و اذهان است، امریکایی‌ها دریافته اند، اتکای بیش از حد بر قدرت سخت^۸ به تنهایی ضامن موفقیت نیست. لذا در صدد هستند تا با استفاده از قدرت دیپلماسی عمومی، به قدرت هوشمند^۹ دست یابند. بر این اساس و پس از انتصاب هیلاری کلینتون به عنوان وزیر امور خارجه، وی با حرص و ولع زیاد به سوی استراتژی "دیپلماسی وب محور"، بسیج افکار عمومی آمریکا به منظور "مشغول شدن در اینترنت" و همچنین

فعالیت‌های سیاسی وب محور، ناشی از دیپلماسی الکترونیکی، معمولاً با یک "جمعیت هوشمند" ناگهانی و خودجوش به وجود می‌آید. در این فرآیند یک واقعه خبری بزرگمایی شده و با استفاده از تکنولوژی شبکه‌ای و با اعلامیه‌های اینترنتی، عملیات‌های ایذایی، تحقیر کردن، هک کردن^۱، فاش نمودن رسوایی‌ها^۲ و یا انتشار اطلاعات تحریف شده^۳ اعتراضات سیاسی هماهنگ می‌شوند.

اینترنت می‌تواند در جامعه به مانند شمشیری دو لبه عمل نماید. رینگلد در مورد پیدایش دو نوع جامعه افراطی ولی محتمل الوقوع هشدار می‌دهد، که عبارتند از:

- جامعه‌ای که شدیداً توسط دولت و از طریق شبکه دیجیتالی کنترل می‌شود
- جامعه‌ای پر از مشکلاتی که توسط جمعیت‌های هوشمند با اهداف خاص پدید می‌آیند.

در اغلب موارد یک موجود مستقل (سازمان و یا فرد) سیستم جمعیت هوشمند را کنترل می‌کند، موجودیتی که مخاطبین خاص را در زمان مقتضی تحریک می‌کند تا به قربانی و یا قربانیان مورد نظر حمله کنند.^[۳]

هدف اصلی دیپلماسی عمومی وب محور پدید آوردن "جمعیت هوشمند" در دیگر کشورها است. در حقیقت، بعد از آغاز عصر اطلاعات، رهبران برجسته دولت‌ها بدین نتیجه رسیده اند که اطلاعات و تکنولوژی‌های اینترنتی مهمترین اسلحه آنها در نبردهای ایدئولوژیکی می‌باشد.

و- نظریه جامعه شبکه‌ای

کاستلز صاحب نظریه جامعه شبکه ای، در "کتاب جامعه اطلاعاتی"^۴ جهان آینده را اینگونه ترسیم می‌نماید:

« جهان آینده، جهانی مجازی، شبکه‌ای هوشمند با تار و پود اطلاعات و ماهیت فرهنگی همراه با بحران هویت می‌باشد. این جامعه شبکه‌ای در ساختار و کارکردهای خود، حول شبکه‌ها و جریان‌های به ظاهر سرمایه داری (کاپیتالیستی) ولی متفاوت از سرمایه داری عصر صنعتی شکل گرفته است.»

کاستلز معتقد است، در این جامعه شبکه ای، دیگر قدرت در نهادها (دولت) و یا کنترل کنندگان نهادها متمرکز نیست، بلکه

⁵ Joseph Nye

⁶ soft power

⁷ Strategy of smart power

⁸ Hard power

⁹ Smart Power

¹ Hacking

² Disclosing scandals

³ Distorted information

⁴ Information Society



پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران، تیوتر، یوتیوب، فیس بوک و فلیکر^۹ تبدیل به واسطه‌ها و پلت فرم‌های انتشار اطلاعات و سازماندهی اعتراضات توسط گروه‌های مخالف و حامیان غربی آنها شد. در گذشته، کشورهای غربی بالاخص آمریکا، از رسانه‌های سنتی به مانند ایستگاه‌های رادیویی بین‌المللی برای تحریک و سازماندهی مخالفین استفاده می‌کردند. با این حال، غربی‌ها در انتخابات ریاست جمهوری ایران تنها به ایستگاه‌های رادیویی و یا خبرگزاری‌ها برای دستیابی به برنامه‌های سیاسی شان اتکاء نکردند؛ آنها با استفاده از رسانه‌های اجتماعی جدید توانستند این کار را بهتر و مؤثرتر انجام دهند. عوامل و عناصرفته نیز از طریق رسانه‌های اجتماعی شبکه‌ای کمک‌ها و پشتیبانی زیادی از جانب غرب کسب کردند. برای مثال، گوگل^{۱۰} و فیس بوک بلافاصله زبان فارسی را نیز به خدمات خود افزودند تا به معترضین ایرانی یاری رسانند. [۱۲] علاوه بر این، رسانه‌های امریکایی از حامیان گروه‌های فتنه در خارج از کشور می‌خواستند تا اطلاعات مکان و زمان خود را به نحوی تنظیم کنند که به نظر برسد در داخل ایران فعالیت می‌کنند. [۱۳]

روزنامه نیویورک تایمز^{۱۱} در جهت افشای برخی مداخلات دولت امریکا در حوادث و آشوب‌های پس از انتخابات دهم به واسطه شبکه‌های اجتماعی مجازی، به یک سند اشاره می‌کند. این روزنامه در گزارش خود می‌نویسد: "روز دوشنبه (۲۵ خرداد ۱۳۸۸) وزارت خارجه آمریکا با ارسال یک پست الکترونیکی^{۱۲} به مدیران شبکه اجتماعی توئیتر خواهان به تعویق انداختن تعمیرات برنامه ریزی شده این پایگاه اینترنتی شد تا از این طریق مخالفان بتوانند بدون وقفه اطلاعات لازم درباره تظاهرات خیابانی را بین خود و جهان خارج رد و بدل کنند." پی. جی. کراولی^{۱۳} "معاون امور ارتباطات وزارت خارجه آمریکا در این باره گفت: "درخواست ما از توئیتر این بود: شما در این زمان حساس نقشی مهم در ایران ایفا می‌کنید، آیا می‌توانید به کار خود ادامه دهید؟ براساس این گزارش توئیتر روز شنبه بعد با تبعیت از درخواست مذکور اعلام کرد: "عملیات به روزرسانی پایگاه خود را به تعویق انداخته

کنش متقابل گسترده با مخاطبین خارجی، روی آورد. نظریه پرداز و مغز متفکر این راهبرد دولت امریکا، الک راس مشاور ارشد کلینتون در حوزه نوآوری است. او معتقد است یکی از جالب ترین شاخصه‌های دولت داری در قرن بیست و یکم مؤلفه "مردم-به-مردم"^۱ است که می‌تواند دیپلماسی "دولت-به-دولت"^۲ سنتی را کامل کرده و آن را ارتقاء بخشد. به نوشته نشریه "نیوزویک"، علاقه وافر کلینتون به ابزار وب ۲.۰ کاملاً موجه است، زیرا این ابزار نویدبخش ترویج دموکراسی! در کشورهایی است که هم اکنون در دسر بزرگی برای آمریکا محسوب می‌شوند.

دیپلماسی الکترونیک آمریکا، به عنوان بخش مهمی از دارایی‌های استراتژیک^۳ و ارتباطات استراتژیک^۴ این کشور، سعی دارد در وهله اول برنامه‌های رسانه‌ای تدوین کند، چهارچوب‌های خبری ایجاد کند، محتوای خبری طراحی کند، و روایت‌های فرضی در مورد موضوعات حساس ارائه کند. دولت آمریکا حین انجام این کار سیستم ارزشی و استانداردهای رسانه‌ای خود را بر مابقی جهان تحمیل می‌کند. همانطور که پیشتر اشاره شد، ماهیت سیال و محبوبیت و شیوع سایت‌های شبکه‌های اجتماعی به مانند فیسبوک^۵، توئیتر^۶، مای اسپیس^۷، و وب سایت‌های اشتراک تصاویر ویدئویی به مانند یوتیوب^۸ دولت آمریکا را تشویق نموده که با استفاده از این ابزارها در راستای تأثیرگذاری بیشتری بر ساختار سیاسی دیگر کشورها و تحمیل خواسته‌ها، ارزش‌ها و سیاست‌های خود در کشور هدف گام بردارد.

برای درک بهتر نحوه اعمال دیپلماسی وب محور امریکا جهت مداخله و بروز بحران به بررسی دیپلماسی وب محور امریکا در خلال ایام پس انتخابات سال ۱۳۸۸ در کشورمان می‌پردازیم.

ب- انتخابات سال ۱۳۸۸ ایران

حوادث بوجود آمده پس از اعلام نتایج انتخابات سال ۱۳۸۸ ایران را میتوان بعنوان یکی از نقاط عطف استفاده از دیپلماسی وب محور دولت امریکا جهت بروز بحران در یک کشور مستقل دانست.

¹ People - to - people
² Government - to - government
³ Strategic assets
⁴ Strategic Communications
⁵ Facebook
⁶ Towiter
⁷ MySpace
⁸ YouTube

⁹ Flickr
¹⁰ Google
¹¹ The New York Times
¹² E - mail
¹³ The. J.. Crowley

چون شرکای آن در حال حاضر بر نقش توئیتز به عنوان یک ابزار مهم ارتباطاتی در ایران صحنه گذاشته اند. [۸]

صدای آمریکا^۱ و سایر رسانه‌های جمعی آمریکایی و سایر رسانه‌های خارجی نیز در گزارش‌های خبری خود بطور گسترده‌ای از مطالب ارسالی به توئیتز، وب لاگ‌ها و یا ویدئوهای تولید شده توسط کاربران نیز استفاده می‌کردند.

استفاده گسترده دولت آمریکا از دیپلماسی عمومی خود در بستر وب تا بدانجا پیش رفت که مقامات رسمی این کشور این تکنولوژیها را به مثابه یک دارایی عظیم استراتژیک برای این کشور قلمداد نمودند.

رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا، در ژوئن ۲۰۰۹ اعلام کرد، تکنولوژی‌های رسانه‌های اجتماعی به مانند توئیتز نقشی حیاتی در آشوبهای فتنه گران در ایران، داشته و "یک دارایی استراتژیک عظیم برای آمریکا محسوب می‌شوند".

گیتس اعتقاد داشت که این نوع پیشرفت‌های تکنولوژیکی، شامل اینترنت، تلفن‌های همراه و وب سایت‌های شبکه‌های اجتماعی، کنترل اطلاعات را برای دولت‌ها "بسیار مشکل" ساخته اند، زیرا این ابزار "تکنولوژی‌های ارتباطاتی را در اختیار شهروندان متوسط جهان قرار می‌دهند".

بنابراین، این تکنولوژی‌ها "نشانهگر موفقیتی بزرگ برای آمریکا در اقصی نقاط جهان هستند زیرا انحصار اطلاعات دیگر در دستان دولت‌ها قرار ندارد. [۱۴]

ظاهراً جبهه جدید دیپلماسی عمومی وب محور برای سیا بسیار پرسود بوده است. پس از ناآرامی‌های ایران، یکی از مأمورین اطلاعاتی آمریکا چنین گفت:

"سیا ناگهان فهمید که تلقین ارزش‌های آمریکا از طریق اینترنت اینترنت بسیار راحت تر از اعزام مأمور به محل‌های مورد نظر برای انجام این کارها است" ظاهراً ایدئولوژی آمریکا از طریق فعالیت‌های اینترنتی تهاجمی نفوذ بیشتری پیدا کرده و دیگر کشورها را در حالت تدافعی قرار می‌دهند. این بار سیا یک میدان جنگ پر بازده یافته است. استفاده از اینترنت برای انجام برنامه‌های مورد نظر، حساسیت بسیار کمتری نسبت به دخالت مستقیم برمی‌انگیزد، و کشورهای دیگر نیز به سوی موضع منفعلانه سوق داده می‌شوند حتی اگر فعالیت‌های آنها مشروع و قانونی باشد. "پس از انتخابات، وضعیت تهران شاهد تغییرات

عده‌ای بود. این تجربه باعث شد سیا و دیگر سازمان‌ها دولت آمریکا به قدرت شگرف رسانه‌های اجتماعی پی ببرند. [۱۵]

ج- پشتیبانی فنی^۳ از دیپلماسی عمومی وب محور

آمریکایی‌ها جهت اعمال دیپلماسی وب محور خود از تمام ظرفیت‌های فنی خود و دیگر هم پیمانانشان بهره گرفته تا با مضاعف سازی فشارهای روانی و فنی به پیشبرد سیاستهای مورد نظرشان اقدام نمایند. موارد زیر نمونه هایی از این اقدامات می‌باشند. پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری، سنای آمریکا بودجه‌ای ۵۵ میلیون دلاری را با عنوان آنچه حمایت از " قربانیان سانسور در ایران " می‌خواند، به تصویب رساند. بر اساس سخنان سناتورهای ارایه دهنده این طرح، هدف اصلی از تصویب این طرح باز کردن فضای ارتباطات اینترنتی برای معترضان ایرانی است تا بتوانند راحت تر به انتقال اطلاعات بپردازند. این انتقال اطلاعات از نظر طراحان طرح در دو سطح قابل توجه است. در اولین سطح گسترش ارتباطات اینترنتی معترضان در درون ایران و دور زدن فیلترینگ سایت‌ها و دسترسی آسان معترضان به شبکه‌های ارتباطات اجتماعی - اینترنتی همچون فیس بوک و تویتتر، و سطح دیگر آن تقویت امکان ارسال اخبار و اطلاعات از داخل ایران به خارج در قالب عکسها، متن‌ها و ویدئوهای ضبط شده است.

در این برهه از زمان کلمات جدیدی مانند: "اغتشاش سایبری"^۴ و "انقلاب سایبری"^۵ و "دمکراسی برای ایران"^۶ متولد شدند. زادگاه کلمات فوق سایت توئیتز بود. برخی از سایتها مانند مای اسپیس بخش هایی را تحت عنوان "خبرنگار خیابان"^۷ و "شما گزارش بدهید" را جهت جمع آوری اطلاعات از اوضاع داخلی ایران راه اندازی کردند. دیگر پایگاه‌های خبری از جمله سی ان ان نیز درخواست هایی مبنی بر ارسال ویدئو، عکس و گزارش از شهروندان ایرانی داشتند.

سایت گوگل در جریان انتخابات و بعد از آن امکانات ترجمه متن فارسی به زبان انگلیسی را راه اندازی نمود تا کاربرانی که به زبان انگلیسی تسلط ندارند، مطالب مورد نظرشان را به فارسی مطالعه کنند. برخی از آمارهای ارائه شده در اینترنت در ارتباط با فعالیت

³ Technical Support

⁴ Cyber disturbance

⁵ Cyber Revolution

⁶ Democracy for Iran

⁷ Street Reporter

¹ VOA

² CIA



در ایران و دوران پس از اعلام نتایج آن بیانگر اینست که عمده حملات انجام شده بر ضد مرزهای فضای مجازی کشورمان از نوع حملات انکار سرویس توزیع شده و به جهت ممانعت از ارائه سرویس و قطع فعالیت سایتها بوده است. در این بین سایتهایی مانند توئیتر، فیسبوک، بی بی سی، سی ان ان، عملاً آموزش حملات سایبری^۴ را در سرلوحه کار خود داشتند

بعلاوه امریکایی‌ها برخی از افرادی را که در خارج از کشور که هکر یا طرفدار مکتب هک کردن هستند را بکار گرفته ویا با آموزشهایی برای دیگران مثل حمله "پینگ فلود"^۵ بقصد از کارانداختن و اختلال در کار سرور سایتهای دولتی را بعهده گرفته اند و یا رأساً خود اقدام نموده اند. یکی دیگر از انواع حمله‌ها ارسال بسته‌های مانی‌تورینگ برای سرورهای هدف برای خسته کردن آنها بوده است. ساخت بعضی از نرم افزارهای "موتور جستجوی تخریبگر" بقصد جستجوی دائمی و بدون وقفه برخی از سایتهای دولتی و مشغول کردن آنها نیز انجام گرفت یکی از جمله این نرم افزارهای حملات سایبری می‌توان به "گت فلود" اشاره نمود.

در ایام مورد بررسی شعار سایت توئیتر این بوده است: "برای حمله اطلاعاتی به دولت ایران متحد شوید". لیست سایت‌هایی را که باید به آنها حمله شود بر روی این سایت درج گردید. در واقع، توئیتر و فیسبوک آتش بیار معرکه بوده، و بخاطر این نقش حیاتی، حتی برخی از فعالیتهای برنامه ریزی شده و روتین خود را نیز به تعویق انداخته بود. زیرا هدف آنها تشکیل، مدیریت و سازماندهی جریان‌ات اعتراضی فتنه و هماهنگ سازی حملات سایبری بر علیه کشورمان بوده است.



تصویر ۱- صفحه سایت توئیتر که حملات انکار سرویس توزیع شده به سایت‌های دولتی ایران را تشویق می‌نماید

^۴ Cyber attacks
^۵ Ping flood

سایت فیسبوک که شعار آن "دموکراسی برای ایران" بوده است دلالت بر این دارد که در ظرف چند روز بعد از انتخابات ۱۵۰۰۰ عضو، ۱۰۸ عنوان، ۱۷۰۹ آگهی، ۶ فایل ویدئویی، ۴۹۶ عددعکس و ۱۰۸۹ لینک به امکانات فیسبوک اضافه شده است. همان آمار اشاره کرده است که در روز هفتم تیر بر روی سایت گوگل، عبارت "اعتراض به انتخابات ایران" یک میلیون بار جستجو شده است.

اقدامات امریکا و همپیمانانش در مداخله امور جاری در کشورمان به همینجا ختم نشده و دشمنان با استفاده از روش‌های مختلف تکنولوژیکی در صدد بی اثر سازی سیستم پالایش داخلی کشور و از همه مهمتر حملات سایبری به پایگاه‌های الکترونیکی مقامات کشوری، درگاههای دولتی و سایتهای خبری در داخل کشور اقدام نمودند که در زیر نمونه‌هایی از این تهاجمات سایبری همه جانبه ذکر می‌گردد.

آزمایشگاه سیتی زن^۱ در کانادا نرم افزارهای فیلتر شکن جهت عبور از فیلترهای اعمالی را در اختیارحمله کنندگان قرار داد. سازمان دیگر کانادایی بنام سک - دو شبکه‌ای بنام گاست نت^۲ را برای نفوذ به کامپیوترها و سایتهای خبری و پایگاههای اطلاع رسانی داخل ایران راه اندازی نمود و "شبکه جنگ اطلاعاتی" در کانادا راه‌اندازی گردید.

کمک به باز نگاه داشتن سایت مسدود شدهای از قبیل توئیتر و فیسبوک با ارسال نرم افزارهای مجانی از اقدامات شبکه فوق الذکر بود. از نظر غربیها "شبکه‌های اجتماعی" که نقش بسیاری در ایجاد و گسترش نا آرامی‌ها داشتند، می‌بایست به هر طریق ممکن در دسترس عوامل فتنه قرار می‌گرفت. یکی از این نرم افزارهای کمکی با هدف بی اثر سازی سیستم پالایش "حق دانستن" نامیده شد که سعی می‌شد بطور گسترده در اختیار فتنه گران قرار بگیرد.

از دیگر اقدامات هماهنگ امریکا از طریق شبکه‌های اجتماعی و سایر ابزارها و تکنولوژی‌های مبتنی بر وب ایجاد شبکه‌های حمله به سایتهای داخلی ایران بود. در حقیقت امریکایی‌ها سعی داشتند با تشکیل لشکری از سربازان سایبری^۳ به ممانعت از فعالیت خبری کشورمان در فضای سایبری اقدام نمایند. بررسی سایت‌های تحلیلگر اینترنتی به هنگام انتخابات ریاست جمهوری

^۱ Citizen Lab.
^۲ Ghost net
^۳ Cyber soldiers

شایان ذکر است اقدامات فنی بسیار مناسب فرزندان این مرز و بوم تا حد بسیاری همه این حمله‌های تکنولوژیکی را بی اثر ساخت. این مقاومت دلیرانه تا بدانجا بود که تحلیلگران امریکایی را مجبور به اعتراف نموده است.

«ایران با کمک مرکز نظارت بر عملیات شبکه خود بر جریان ارتباطات و ارسال داده به صورت آنلاین و آفلاین از جمله ارسال ویدیو تسلط داشته به همین دلیل بر روی شبکه‌های اجتماعی نظیر فیسبوک و توئیتر نیز کنترل مناسبی داشته است. لذا نمره قبولی در حد A به جمهوری اسلامی ایران برای مدیریت، کنترل و نگهداری اینترنت تعلق می‌گیرد که در مقایسه با بسیاری از کشورها نمره‌ای بسیار قابل توجه است. این بدان معنی است که، متخصصین فنی ایرانی نه تنها شبکه خود را به سرعت مدیریت نمودند بلکه همچنان مسئله "دخالته خارجی" را بعنوان برگ برنده در دست و اختیار خود داشته و با انقلاب اینترنتی به خوبی به مقابله پرداختند.» [۱۶]

نتیجه‌گیری

اینترنت در حال تبدیل شدن به یک رسانه عامه پسند است و این امر باعث خواهد شد مردم دریافت تحلیل‌ها و فهم وقایع جاری به اخبار فرد به فرد روی آورند و نقش رسانه‌های سنتی کاهش یابد. اخبار فرد به فرد وب محور اغلب در میان خانواده ها، دوستان و همکاران جریان می‌یابد، یعنی افرادی که قبل از برقراری هر نوع ارتباط فرد به فرد با یکدیگر رابطه‌ای توأم با ارتباط برقرار کرده اند. اخبار فرد به فرد در مقایسه با تولیدات تبلیغاتی دولت‌ها و یا گزارش‌های رسانه‌های سنتی، بیشتر متقاعد کننده و قابل اعتماد به نظر می‌رسند. همین شاخصه اصلی اخبار فرد به فرد مهمترین دلیل برای انجام دیپلماسی عمومی وب محور است هم دیپلماسی عمومی وب محور و هم ارتباطات فرد به فرد وب محور دارای طیف خاصی از مخاطبین هدف هستند اخبار فرد به فرد وب محور بر خلاف ارتباطات خبری رسانه‌های سنتی تفاوت میان مخاطبینش را نادیده نمی‌گیرد؛ بلکه شخصیت، پس زمینه‌ها و منافع گوناگون مخاطبینش را نیز در نظر می‌گیرد. از آنجایی که فرستنده و گیرنده یک پیام از قبل و از طریق منافع مشترک با یکدیگر متصل شده و به یک فهم متقابل دست یافته‌اند، بنابراین

فرستنده می‌تواند پیام را مطابق فهمی که از گیرنده دارد، ویرایش کند. این پیام سفارشی می‌تواند فرایند ارتباط را تسهیل نماید. لذا اینترنت تبدیل به ظرفی برای رشد و نمو انواع فعالیت‌های سیاسی شده است. دیپلماسی عمومی را نیز می‌توان با کمک تکنولوژی برای طیف وسیعی از فعالیت‌ها از مبارزه واقعی در جهت حقوق بشر گرفته تا تروریسم، افراطی‌گرایی، بنیادگرایی مذهبی، افراط‌گرایی زیست محیطی، نازیسم، فرقه‌گرایی و بسیاری دیگر بکار برد. حامیان تمام فعالیت‌های فوق همگی ادعا دارند که در جهت آزادی، عدالت یا دموکراسی فعالیت می‌کنند.

برخلاف دوران جنگ سرد که در آن دولت‌ها افرادی را به کشورهای هدف اعزام می‌کردند تا در آنجا به اعتراضات خیابانی و امثالهم یاری رسانند، در عصر جدید، هدف اصلی دیپلماسی عمومی وب محور پدید آوردن "جمعیت هوشمند" در دیگر کشورها است. جمعیت هوشمندی که از طرف فرد و یا سازمان‌هایی وابسته به فربیها و خصوصا دولت امریکا مدیریت و هدایت شده و در جهت حفظ و بسط منافع آنها اقدام می‌نماید.

در حقیقت، بعد از آغاز عصر اطلاعات، رهبران برجسته دولت‌های غربی بدین نتیجه رسیده اند که اطلاعات و تکنولوژی‌های اینترنتی مهمترین اسلحه آنها در نبردهای ایدئولوژیکی بوده بطوریکه با کمک این ابزارها می‌توانند، مسائل جهانی خود را راحت تر حل و فصل نمایند. برای مثال، رونالد ریگان تکنولوژی اطلاعاتی را چنین معرفی می‌کند: "داوود ریز تراشه که حکومت اقتدارگرایی جالوت را سرنگون خواهد کرد"؛ بیل کلینتون اعلام نمود که سانسور اینترنتی به مانند "تلاش برای فرو بردن زلزله در دیوار است"؛ و جرج بوش جهانی را توصیف نمود که در آن "اینترنت بر چین مسلط خواهد شد" و از ما می‌خواهد "تصور کنیم که چگونه آزادی رواج خواهد یافت".

اینگونه است که مقامات امریکایی در صددند تا به هر روش ممکن با حمایت تکنولوژیکی از ابزار انتشار و گسترش دیپلماسی وب محور خود تمایلات خود را به دیگران دیکته نمایند و زمانی که ارزش‌ها، باورها و اعتقادات یک ملت در مورد تعیین سرنوشت خود با گفتمان آنها همخوانی نداشته باشد با کمک دیپلماسی عمومی و از طریق بکارگیری رسانه‌های نوین و حملات سایبری در صدد منزوی ساختن این کشور حرکت می‌نمایند. لذا اینچنین



[۳] لی ژیگوگانگ و وانگ جینگ، نقش رسانه‌های اجتماعی در نارامی‌های ایران و سینگ کیانگ، ترجمه خبرگزاری مشرق، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (۲۰۱۰)

[۴] درویش، رضاداد (۱۳۸۴)، کتاب آمریکا (۶) : ویژه دیپلماسی عمومی در آمریکا، تهران : مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ص ۶۳

[۵] گیلیوآ، اینان (۱۳۸۸)، ارتباطات جهانی و سیاست خارجی. ترجمه حسام الدین آشنا و محمدصادق اسماعیلی، تهران : دانشگاه امام صادق (ع)، ص ۸۱-۸۰

[۶] میلسن، ژان (۱۳۸۸)، دیپلماسی عمومی نوین : کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل، ترجمه رضا کلهر و سید محسن روحانی، تهران : دانشگاه امام صادق (ع) و دبیرخانه همایش عملیات روانی، چاپ دوم، ص ۵۴-۵۳.

[۷] گروه مطالعاتی امنیت ملی (۱۳۸۸)، تهدید نرم و راهبردهای مقابله، تهران : دانشگاه عالی دفاع ملی، ص ۱۱۷- پست الکترونیک [۸] "پیگیری ویژه وزارت خارجه آمریکا برای سازماندهی اغتشاش"، روزنامه کیهان؛ پنجشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۸، ص ۲. منابع انگلیسی

[9] Lee, Matthew. "Hillary Clinton Pushes E-Diplomacy at State Department". Associated Press. March 23, 2009. Quoted from NextGov website. <http://www.nextgov.com> (Accessed Sept 5, 2009.)

[10] Scola, Nancy. "The Next Diplomatic Cable". The American Prospect. July 27, 2009. <http://www.prospect.org> (Accessed Sept 5, 2009.)

[11] Linton Freeman, The Development of Social Network Analysis. Vancouver: Empirical Pres, ۲۰۰۶

[12] "Profile: Mahmoud Ahmadinejad". BBC News. Last updated on June 16, 2009. www.bbc.co.uk (accessed Sept 7, 2009)

[13] <http://blogs.wsj.com/digits/2009/06/16/twitter-retains-spotlight-in-iran-coverage/> (accessed Sept 9, 2009)

[14] Levi, Michelle. "Gates Calls Twitter 'A Huge Strategic Asset'". CBSNews. June 18, 2009. www.cbsnews.com (Accessed Sept 5, 2009.)

[15] "The Internet Becomes a Infiltrating Tool of the West: Politicalization of the Web More Prominent". Global Times. July 3, 2009. Quoted from http://news.xinhuanet.com/Internet/2009-07/03/content_11647152.htm (Accessed Sept 5, 2009.)

[16] Analysis of the Green Dam Censorware System Scott Wolchok, Randy Yao, and J. Alex Halderman Computer Science and Engineering Division The University of Michigan Revision 2.41 – June 11, 2009

[17] <http://www.tisri.org/default-325.aspx> تاریخ بازدید ۱۳۹۰/۱۰/۲۵

[18] <http://www.noyasystem.com/support/webdesign/web-2-history2.aspx>

است که، خوب بد بستگی به کشورهایی خواهد داشت که دارای بانفوذترین گفتمان سیاسی هستند .یعنی، " درست " یا "نادرست" بودن زندگی سیاسی در کشورها بستگی به قضاوت غرب در مورد آنها خواهد داشت .

در این عصر، دیپلماسی وب محور و ویژگی‌های دنیای شبکه‌ای در خصوص تبادلات پیام با حداقل کنترل و حداکثر نفوذ، در واقع اثر بخشی روش‌های سنتی انتقال اطلاعات را به چالش کشیده است. بطوریکه امروزه ارتباطات فرد به فرد وب محور که علاوه بر مخاطبین خاص به تفاوت‌ها، علایق و ویژگی‌های فردی نیز تأکید می‌کند، بطور فزاینده‌ای در همه جوامع مورد استفاده قرار می‌گیرد، بنابراین پیشنهاد می‌گردد آن دسته از فعالیت‌های رسانه‌ای با هدف آگاهی رسانی داخلی و بین‌المللی از طریق روش‌های سنتی، به تدریج با ارتباطات فرد به فرد وب محور تقویت شوند، تا ارتباطات رسانه‌ای آنلاین سبب ایجاد قدرت توزیعی دیپلماسی و در نهایت موجب امکان دستیابی به اهداف دیپلماسی عمومی کشور شود.

گزارش حاضر که نشان دهنده بخش کوچکی از خباثت دشمن خارجی در هدف قرار دادن حاکمیت ملی کشورمان از طریق سیاستگذاری، اجرا، هدایت و رهبری حملات مخرب امنیتی سایبری، با شیوه‌های کاملا نوین و گسترده اینترنتی با عنوان دیپلماسی وب محور، در جریان انتخابات (قبل، حین و بعد) می‌باشد، و آنچه به عنوان چکیده و مطلب راهبردی در این خصوص می‌توان آموخت آن است که باید قوی ترشد و با استفاده حداکثری از تمام منابع در دسترس و فرصت جدید ناشی از تکنولوژی‌های نوظهور و رسانه‌های اجتماعی، سیاست‌های دیپلماسی عمومی کشورمان را فعال ساخته و با اتخاذ رویکرد تبدیل تهدید به فرصت، صدای حق طلبی خود را به درستی به گوش جهانیان رسانیم.

منابع :

منابع فارسی

[۱] هادیان، ناصر؛ احدی، افسانه (۱۳۸۸)، «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال اول، شماره سوم، ص ۹۰

[۲] جان براون، پایان جنگ سرد و دیپلماسی عمومی، ترجمه و انتشار پایگاه الکترونیکی شفاف



This page is intentionally left blank